

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نکات کلیدی و تفسیری جزء سوم قرآن کریم

توانستن غیر از مجاز بودن است

فراز اول: لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ (۲۵۶- بقره)

در دین، هیچ اجباری نیست. همانا راه هدایت از گمراهی، کاملاً مشخص و آشکار شده است.

بسیاری با استناد به همین آیه، خود را مجاز به پذیرش و یا عدم پذیرش اصل دین و فروع آن می دانند به این معنا که گمان می کنند اجازه دارند اصل دین را بپذیرند یا نپذیرند و یا هر کدام از فروع دین که مایل به انجامش نبودند را به راحتی کنار گذاشته و از آن بگذرند و جالب تر اینکه خیال می کنند دیگران هم حق اعتراض به آن ها را ندارند؛ نه حق دارند آن ها را امر کنند و نه مجازند ایشان را نهی کنند.

به راستی اگر چنین تفسیر و برداشتی از آیه صحیح بود دیگر چه دلیلی داشت خداوند کسانی که دین را نپذیرفتند و یا به آن عمل نکردند را با آیات عذاب، تهدید کند؟

نکته ای که این عده از آن غفلت کرده اند این است که پیام آیه نفی جبر و اشاره به اصل اراده در خلقت انسان است. خداوند متعال انسان ها را به گونه ای خلق کرده است که در مقام عمل، توان انتخاب گزینه های مختلف و گاه مخالف را داراست. او هم می تواند عدالت بورزد و هم ظلم کند؛ هم عبادت کند و هم عصیان نماید؛ اما اینکه کدام گزینه برای او مجاز است و کدام برای او ممنوع، بحث دیگری است. یقیناً انسان اجازه ندارد گزینه ای را برگزیند که به ضرر دنیا و آخرت اوست.

کسانی که در راه خداوند بذل مال می کنند ولی به دنبال آن منت می گذارند یا کاری که موجب آزار و رنجش اوست انجام می دهند در حقیقت با این عمل ناپسند، اجر و پاداش خود را از بین می برند. (۲) در این بین کسی اجر می برد که بتواند کار ارزشمند خود را از این دو آفت نابودگر حفا + کند. (۳)

اگر انسان مختار آفریده شده؛ نه برای آن است که هر کاری که دلش خواست بکند؛ بلکه او آزاد آفریده شد تا آزادانه بین درست و نادرست یکی را انتخاب کند؛ (۱) درست و نادرستی را که خدا از طریق دین (عقل سالم و نقل معتبر) بیان کرده است. اگر درست را انتخاب کرد کمال است و بهشت و اگر نادرست را برگزید سقوط است و عذاب.

دو آفتی که اجر صدقه را نابود می کنند

فراز دوم: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى (۲۶۴- بقره)

منت گذاشتن و اذیت کردن، دو خطر مهمی است که اجر صدقات را تهدید می کند. خداوند متعال در این آیه، مردم را از نابود کردن اجر صدقاتشان با منت و اذیت نهی می کند.

از این آیه به خوبی استفاده می شود که انفاق در راه خدا در صورتی در پیشگاه پروردگار مورد قبول واقع می شود که به دنبال آن منت و چیزی که موجب آزار و رنجش نیازمندان است نباشد. بنا بر این کسانی که در راه خداوند بذل مال می کنند ولی به دنبال آن منت می گذارند یا کاری که موجب آزار و رنجش اوست انجام می دهند در حقیقت با این عمل ناپسند، اجر و پاداش خود را از بین می برند. (۲) در این بین کسی اجر می برد که بتواند کار ارزشمند خود را از این دو آفت نابودگر حفظ کند. (۳)

مالی که انفاق می شود هم باید از مال حلال باشد و از طریقی شرعی به دست آمده باشد و هم از نظر کیفیت باید حداقل به گونه ای باشد که اگر به خود دهنده آن را بدهند با خوشحالی آن را بگیرد

شرط مالی که انفاق می کنید

فراز سوم: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِالْأَخْذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (۲۶۷- بقره)

در این آیه برای اموالی که انفاق می شوند دو شرط عمده را بیان می کند. ابتدا می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید! از اموال پاکیزه ای که از طریق تجارت به دست آورده اید و از آنچه از زمین برای شما خارج کرده ایم از منابع و معادن زیر زمینی و از کشاورزی و زراعت و باغ، انفاق کنید.

سپس برای تاکید هر چه بیشتر می افزاید: به سراغ قسمت های ناپاک نروید تا از آن انفاق کنید در حالی که خود شما حاضر نیستید آن را بپذیرید، مگر از روی اغماض و کراهت. (۴)

پس مالی که انفاق می شود هم باید از مال حلال باشد و از طریقی شرعی به دست آمده باشد و هم از نظر کیفیت باید حداقل به گونه ای باشد که اگر به خود دهنده آن را بدهند با خوشحالی آن را بگیرد.

از فرق های یک مسلمان با کسانی که دم از خدا و انبیاء پیشین و کتاب مقدس می زنند و به قرآن این آخرین کتاب آسمانی اهانت می کنند در این است که ما مسلمانان بنا به رهنمود قرآن کریم در این آیه، تمام انبیاء گذشته را که همگی فرستاده خدایند قبول داریم و به کتاب های آن ها که از جانب او هستند ایمان داریم و احترام می گذاریم؛ البته کتب یا بخش های تحریف شده ای که تولید خود بشوند از این دایره بیرونند و خارج از بحثند

رباخوار دیوانه است

فراز چهارم: الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ (۲۷۵)

این آیه، پرده از حقیقت رباخواری برداشته و باطن آن را نمایان می‌کند. بر اساس این آیه، ربا، جنون آور است و ربا خوار فردیست دیوانه.

تخیبط از مس شیطان همان جن زدگی است که در گویش عامیانه به کسی گفته می‌شود که دیوانه شده باشد. خداوند متعال در این فراز، ربا خوار را دیوانه می‌خواند. باید دانست که این طرز تعبیر برای اهانت نیست؛ زیرا کلام خدا منزله از عبارتهای سخیف و غیر واقع است (۵) بلکه این تعبیر، بیان حقیقت افرادیست که ربا می‌گیرند؛ چون این عده فاقد تفکر صحیح اجتماعی هستند و مسائلی مانند تعاون، همدردی، عواطف انسانی، نوع دوستی برای آن‌ها، مفهومی ندارد؛ بنابراین مشی او مشی دیوانگان است (۶).
در دادگاه قیامت به سبک دادگاه‌های دنیا که گزارش کار را می‌خوانند و قاضی بر اساس آن نظر می‌دهد عمل نمی‌شود بلکه در آن محکمه، خود عمل را حاضر می‌کنند نه گزارش آن را

فرق ما با آن کشیش مسیحی

فراز پنجم: ءَأَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَأَمِنَ بِاللَّهِ وَ مَلَكَاتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ (۲۸۵- بقره)

پیامبر به آنچه از پروردگارش به او نازل شده ایمان آورده و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبرانش ایمان آورده‌اند [و بر اساس ایمان استوارشان گفتند]: ما میان هیچ یک از پیامبران او فرق نمی‌گذاریم.

از فرق‌های یک مسلمان با کسانی که دم از خدا و انبیاء پیشین و کتاب مقدس می‌زنند و به قرآن این آخرین کتاب آسمانی اهانت می‌کنند در این است که ما مسلمانان بنا به رهنمود قرآن کریم در این آیه، تمام انبیاء گذشته را که همگی فرستاده خدایند قبول داریم و به کتاب‌های آن‌ها که از جانب او هستند ایمان داریم و احترام می‌گذاریم؛ البته کتب یا بخش‌های تحریف شده‌ای که تولید خود بشنند از این دایره بیرونند و خارج از بحثند.

آری مؤمنان بر خلاف کسانی که می‌خواهند بین خدا و پیامبرانش جدایی بیفکنند و به بعضی ایمان بیاورند و بعضی را انکار کنند (۷) هیچ گونه تفاوتی میان رسولان الهی و کتاب‌های آن‌ها نمی‌گذارند و همه را از سوی خدا می‌دانند و همگی را محترم می‌شمردند (۸).

صحنه قیامت عمل در کنار عامل حاضر می‌شود و چون چنین است کسی را یارای انکار و تکذیب نیست و تنها کاری که از مجرم ساخته است این است که آرزوی جدایی بین خود و عملش را داشته باشد

در قیامت عمل را حاضر می‌کنند نه گزارش آن را

فراز ششم: يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مَّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا (۳۰- آل عمران)

روزی که هر کس آنچه را از کار نیک انجام داده و آنچه را از کار زشت مرتکب شده حاضر شده می‌یابد، و آرزو می‌کند که ای کاش میان او و کارهای زشتش زمان دور و درازی فاصله بود.

این آیه به صراحت بیان می‌دارد که در دادگاه قیامت به سبک دادگاه‌های دنیا که گزارش کار را می‌خوانند و قاضی بر اساس آن نظر می‌دهد عمل نمی‌شود بلکه در آن محکمه، خود عمل را حاضر می‌کنند نه گزارش آن را.

از این آیه و آیات دیگر (۹) به دست می‌آید که عمل نیز به مانند عامل، دارای روح و بدن است. آن چهره‌ای که در این دنیا از آن مشاهده می‌شود به منزله بدن است و آن چهره‌ای که در قیامت حاضر می‌شود روح و باطن اوست. بر اساس این آیه در صحنه قیامت عمل در کنار عامل حاضر می‌شود و چون چنین است کسی را یارای انکار و تکذیب نیست و تنها کاری که از مجرم ساخته است این است که آرزوی جدایی بین خود و عملش را داشته باشد.

اسلام، تنها دینی که خدا می‌پذیرد

فراز هفتم: وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۸۵- آل عمران)

منظور از اسلام در این آیه، دینی است الهی که احکام و معارف آن بر سه پایه توحید، معاد و نبوت استوار است. این آیین در هر زمانی با توجه مقتضیات موجود، دستورات خاصی دارد که به مجموع آن اصول و این فروع اسلام گفته می‌شود؛ بر این اساس تمام ادیان آسمانی در زمان پیامبر همان عصر، مصداق اسلام است و تبعیت کنندگان آن نیز مسلمان و رستگار خواهند بود.

اگر انسان مختار آفریده شده؛ نه برای آن است که هر کاری که دلش خواست بکند؛ بلکه او آزاد آفریده شد تا آزادانه بین درست و نادرست یکی را انتخاب کند؛ (۱) درست و نادرستی را که خدا از طریق دین (عقل سالم و نقل معتبر) بیان کرده است. اگر درست را انتخاب کرد کمال است و بهشت و اگر نادرست را برگزید سقوط است و عذاب این آیه خط بطلانی است بر ادیانی که یا الهی نیستند یا اگر در دسته ادیان الهی هستند با آمدن آخرین فرستاده الهی، دیگر منسوخ شده‌اند.

چون در این فراز، سخن از عدم پذیرش خداوند است و اگر روش زندگی و آیین کسی را خدا قبول نکرد به معنای نگون بختی و هلاکت اوست همان گونه که در آخر آیه هشدار داد؛ این نتیجه حاصل می شود که راه های رسیدن به سعادت یکی بیشتر نیست و آن، پذیرش اسلام و حرکت بر اساس دستورات آن است و بس.

پی نوشت ها:

- ۱- المیزان ج ۲ ص ۳۴۳
- ۲- نمونه ج ۲ ص ۳۱۷
- ۳- آیه ۲۶۲ سوره بقره
- ۴- نمونه ج ۲ ص ۳۳۲
- ۵- آیه ۱۴ سوره طارق
- ۶- نمونه ج ۲ ص ۳۶۶
- ۷- آیه ۱۵۰ سوره نساء
- ۸- نمونه ج ۲ ص ۳۹۸
- ۹- آیه ۹۰ سوره نمل و آیه ۵۵ سوره عنکبوت

پایگاه اطلاع رسانی هیات رزمندگان اسلام

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضورى حوزه های علمیه خاوران

<http://vufarhangi.whc.ir/>